

## بررسی شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در آثار اعتمادالسلطنه

قباد منصوربخت\*، رضا عبادی‌جامخانه، رضا شعبانی

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی؛ گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات؛

استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات

تاریخ دریافت: (۱۳۹۶/۰۵/۱۸) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۶/۰۹/۲۸)

## An Investigation of Modern Indicators of Local Historiography in the Works of Etemad Al-Saltaneh

Qobad Mansourbakht, Reza EbadiJamkhaneh, Reza Shabani

Assistant Professor of ShahidBeheshti Branch, Shahid Beheshti University, Tehran, Department of History; Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Department of History; Prof of Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Department of History

Received: (2017.08.09)

Accepted: (2017.12.19)

### Abstract

Local historiography is a representation of the past on a local and regional scale. The characteristics of such research are thematic, time and space constraints, and this provides for a partial consideration and addressing the social history/ history of the descendant. Nowadays, scholars consider the history of this kind of historiography in Iran, even to the monographs of the period of Arab Muslim imperialism era. However, there is a distinction between traditional and modern local historiography, which has been illustrated in the local historiography of Etemad al-Saltaneh. In this regard, the main questions of the present research are: What practices of local historiography does Etemad al-Saltaneh have in his works? How are the indicators of local historiography displayed in the works of Etemad Al-Saltaneh? What are the status of common people's lives in the local historiography of Etemad al-Saltaneh? Therefore, the aim of this research is to study the new features of the local history of Etemad al-Saltaneh. The research method is a descriptive-analytic type and its research findings indicate that local historiography in the lateral dimension is one of the most characteristic features of the text in the works of Etemad al-Saltaneh. The transverse look is the look of the wise in the history of the descendant, paying attention to the types of poverty, collecting the data in the field of study, observation and interviewing.

**Keywords:** Etemad al-Saltaneh, local historiography in the lateral dimension, Qajar, modern historiography.

### چکیده

تاریخ‌نگاری محلی، بازنمایی گذشته در مقیاس محلی و منطقه‌ای است. ویژگی پژوهش‌های این‌گونه، محدودیت به لحاظ موضوعی، زمانی و مکانی است و این امر زمینه جزئی‌نگری و پرداختن به تاریخ اجتماعی / تاریخ فرودستان را فراهم می‌آورد. امروزه محققان پیشینه این نوع تاریخ‌نگاری در ایران را حتی به تک‌نگاری‌های دوره جهانگشایی اعراب مسلمان می‌رسانند؛ اما بین تاریخ‌نگاری محلی سنتی و نوین تمایزاتی وجود دارد که در محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه نمود یافته است. در همین راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. اعتمادالسلطنه دارای چه شیوه‌های تاریخ‌نگاری محلی است؟ ۲. شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در عرض چگونه در آثار اعتمادالسلطنه نمود یافته است؟ ۳. زندگی‌نامه عامه مردم در تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه چه جایگاهی دارد؟ بنابراین هدف پژوهش بررسی شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه است.

روش پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تاریخ‌نگاری محلی در بعد عرضی، از خصوصیات بارز تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه بوده است. نگاه عرضی یعنی نگاه خردبین به تاریخ فرودستان، توجه به انواع فقر، گردآوری داده‌ها به روش مطالعه میدانی، مشاهده و مصاحبه.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری محلی در عرض، قاجار، تاریخ‌نگاری نوین.

## ۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق)، اگر جزو نزدیک‌ترین نگرش‌ها نسبت به تاریخ‌نگاری نوین نباشد؛ جزو دورترین‌ها هم نخواهد بود. عصر قاجاریه، دوره فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسب برای رشد و گسترش اندیشه‌های تجددخواهانه و تفکر ناسیونالیسم است و لذا در بررسی سیر تحول اندیشه ناسیونالیسم و ظهور مکتب تاریخ‌نویسی ملی‌گرایانه و پیامدهای آن در تاریخ معاصر ایران از اهمیت و جایگاه بسزایی برخوردار است. با اینحال یکی از شاخصه‌های مهم مکتب تاریخ‌نویسی ملی‌گرایانه گرایش مورخان به محلی‌نگاری بود. به عبارتی تاریخ‌نویسی محلی، در کنار سایر گونه‌های تاریخ‌نویسی، یکی از زمینه‌هایی بوده است که مورخان ایرانی آن را آزموده و آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند. این نوع تاریخ‌نگاری، با محوریت مکان‌نگاری، زندگی توده‌ای مردم یا «تاریخ از پایین» آگاهی‌های ارزشمندی در باب حیات اجتماعی، اقتصادی و تحولات سیاسی یک شهر و ناحیه خاص ارائه می‌دهند که در دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری، نظیر تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای، کمتر دیده می‌شود.

امروزه در پژوهش‌های تاریخی، با رویکرد اجتماعی و تمدنی، تاریخ‌های محلی جایگاه برجسته‌ای یافته و در کنار دیگر منابع و متون در ترسیم چهره شهرها بسیار راه‌گشایند (رجایی، چلونگر و نورائی، ۱۳۹۰: ۲۹-۵۲).

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، فرزند دوم حاج علی خان - قاتل امیرکبیر - در سال ۱۲۵۹ق متولد شد و در سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۸۴ق، برای ادامه تحصیل

در فرانسه اقامت گزید. این امر در نگرش علمی وی تأثیرگذار بود؛ *روزنامه خاطرات* او و نگارش مقالات ضد انگلیسی نمود تأثیرپذیری وی از ادبیات «فرانسه محوری» است.

اعتمادالسلطنه در سه سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ همراه وی بود و سرانجام در سال ۱۳۱۳ق، یک ماه قبل از قتل ناصرالدین‌شاه، به طرز مشکوکی، درگذشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹).

در ارتباط با شخصیت علمی و تألیفات اعتمادالسلطنه نظرات متفاوتی وجود دارد:

الف) گروهی برآنند که اکثر آثار وی به جز *خلسه و روزنامه خاطرات*، ثمره تلاش دیگران است و او با نفوذ و قدرت اجرایی که در وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی داشته، این آثار را به نام خود انتشار داده است. افضل‌الملک، احتشام‌السلطنه، علامه محمد قزوینی، ادوارد براون، کسروی و محیط طباطبایی در این دسته هستند. در نظر این افراد، وی شخص کم‌سوادی بوده که قادر به تألیف این‌همه آثار علمی نبوده است. آنان در ادعای خود پا را فراتر نهاده و او را متهم به سوء استفاده از قدرت اجرایی خود یعنی (سمت وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی) نموده‌اند.

ب) عده‌ای هم اکثریت آثار او را بی‌تردید از تألیفات خودش می‌شمارند و حتی بر این عقیده هستند که وی غیر از آثار منتشر شده تألیفات دیگری نیز داشته که تا به امروز یا منتشر نشده و یا مجهول مانده است. سلطان احمد میرزا عضدالدوله، خان‌ملک

ساسانی و عبدالحسین نوایی بر این عقیده‌اند.

ج) گروهی نیز آثار اعتمادالسلطنه را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: آثار شخصی؛ آثار گروهی. کتیرایی،

چلونگر و همکاران در مقاله «تاریخ‌نگاری محلی در دوره مغول و شاخصه‌های آن» (۱۳۹۲)، علل گرایش مورخان به تاریخ‌نویسی محلی را تشویق حاکمان، وطن‌دوستی، دیدن خواب، احیای تاریخ و فرهنگ باستان و رقابت با نویسندگان و مورخان در تاریخ‌نویسی محلی برشمرده‌اند (چلونگر و همکاران، ۱۳۹۲: ش ۲، دوره ۳، ص ۷۵-۹۰).

قدیمی قیداری در مقاله «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران» (۱۳۸۸) ویژگی عمومی تاریخ‌نگاری محلی در ایران را در مؤلفه‌هایی چون: تاریخ‌نگاری محلی براساس امورات دنیوی و دینی، احیای افتخارات کهن و برتری‌جویی، ذکر فضایل زادبوم، معرفی حکومت‌های محلی، انگیزه‌های دوستداری اقوام و علل شخصی و درونی مورخ بیان کرده است (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ش ۱، ص ۱۱-۱۲۸).

حسن‌آبادی در مقاله «درآمدی بر ریخت‌شناسی محلی‌نگاری در تاریخ معاصر ایران» (۱۳۹۳) در نتایج تحقیقش عنوان کرد: محلی‌نگاری معاصر نسبت به تغییرات محیطی، خواست‌ها و نیازهای تاریخی تغییری نکرده و بیشتر در چنبره گفتمانی سنت و الگوی قدیمی محلی‌نگاری باقی مانده است (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

در نقد یافته‌ها و نتایج پیشینه‌های پژوهشی فوق می‌توان گفت: از نظر اکثر محققان، محلی‌نگاری در تاریخ معاصر ایران دارای تداوم سنت تاریخ‌نگاری محلی‌نگاری است.

محمدعلی سپانلو، ایرج افشار، محمد مشیری، زرین‌کوب و باستانی پاریزی در این گروه قرار دارند. اینان معتقدند اعتمادالسلطنه از مورخان متقدم نوگرا در تاریخ‌نگاری ملی، محلی، رسمی و توجه به دانش جغرافی می‌باشد. به نظر این گروه، افزایش آگاهی، تنبه و بیداری دربار ناصری و مبارزه با جهل و نادانی بر مبنای گفتمان نوسازی از اهداف اعتمادالسلطنه بوده است.

## ۲. روش پژوهش و ابزار گرد آوری داده‌ها

روش تحقیق در این مقاله روش تحلیلی - تاریخی می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش و به منظور توصیف کیفی محتوای مفاهیم و تجزیه و تحلیل و توصیف داده‌ها و طبقه‌بندی اطلاعات که در حیطه تاریخ معاصر ایران می‌باشد، این روش تحقیق شیوه-ای مناسب می‌باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها از منابع شامل: اسناد دوره قاجاریه، کتب، رسالات، پژوهش‌ها، مقالات و روزنامه‌های دوره قاجار به‌ویژه آثار اعتمادالسلطنه می‌باشد.

## ۳. پیشینه پژوهش

تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه دارای شاخصه‌ها و خصوصیات بارزی می‌باشد و در این بخش از مقاله به پیشینه پژوهشی اشاره می‌شود: متولی حقیقی (۱۳۸۱) در رساله "وزیر تاریخ‌نگار" مؤلفه‌هایی از قبیل: توجه به دورویی، ترس از دربار، اهمیت به تاریخ‌نگاری رسمی و درباری را از خصوصیات تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه بیان نمود (متولی حقیقی، ص ۱۰-۲۵). در نقد این رساله می‌توان گفت، اشاره‌ای به محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه نشده است.

## نمودار شماره ۱: خصوصیات محلی نگاری سنتی



می‌شود که با انگیزه‌هایی چون حب وطن، تفاخرملی یا خواست و تشویق حکومتگران محلی توسط مورخان بومی و محلی برای نشان دادن جایگاه و پیشینه تاریخی یک شهر، منطقه و ایالت در دوره‌ای خاص یا دوره‌ای طولانی به نگارش درآمده‌اند (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۱/۱۲۹).

خصوصیات تاریخ‌نگاری محلی به‌طور عمده در دو حیطة نگرشی قابل تأمل است: الف) تاریخ‌نگاری محلی در طول؛ ب) تاریخ‌نگاری محلی در عرض.

## الف) تاریخ‌نگاری محلی در طول

در تاریخ‌نگاری محلی در طول به بررسی تاریخ یک شهر، روستا، محله و یا منطقه در ادوار تاریخی مختلف از بنیاد تا زمان مؤلف پرداخته می‌شود. نگاه مورخ در این سبک تاریخ‌نگاری بیشتر بر عنصر «زمان» دوخته شده است. او حوادث و اتفاقات محدود به یک شهر/ منطقه را در سیر زمان بازنمایی و بازگویی می‌کند. به عنوان مثال در نگارش تاریخ اصفهان، مورخان محلی در هر دوره سعی کرده‌اند، بنابر دیدگاه‌های خود، تا حد امکان به بررسی تاریخ این شهر از آغاز (پیش از اسلام) تا بعد از اسلام، افسانه‌سازی‌ها، رویدادها و نقش مردم این شهر در این وقایع، شکل‌گیری محلات شهر و سرانجام ورود اسلام به اصفهان و تجدید حیات و تبدیل شدن آن به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام و ایران، پردازند (نورایی، ۱۳۹۰: ش ۱۶۳، ۵).

## ب) تاریخ‌نگاری محلی در عرض

تاریخ‌نگاری محلی در عرض بیشتر توصیف پدیده‌های «اکنون و پیرامون» در حد و اندازه دید مستقیم و یا شنیده‌های بی‌واسطه است (نورایی، چلونگر و قنوت، ۱۳۸۹: ش ۸۴، ص ۳۸-۹) در این روش

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی با توجه به نمودار شماره یک، تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور اشاره به نوآوری‌های محلی‌نگاری اعتمادالسلطنه بوده و هدف این پژوهش بررسی و پاسخ به سؤالات زیر می‌باشد:

۱. اعتمادالسلطنه دارای چه شیوه‌های تاریخ‌نگاری محلی بوده است؟ ۲. شاخصه‌های نوین تاریخ‌نگاری محلی در «عرض» در نوشتار اعتمادالسلطنه چه خصوصیت‌هایی دارد؟ ۳. زندگانی فرودستان/ تاریخ از پایین، در تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه چه جایگاهی دارد؟

## ۴. مفهوم و خصوصیات تاریخ‌نگاری محلی

هم‌زمان با تاریخ‌نگاری عمومی شاخه دیگری از تاریخ‌نگاری با عنوان «تاریخ‌نگاری محلی» در ایران و جهان اسلام پدید آمد. این شیوه از تاریخ‌نگاری، به یک مکان جغرافیایی خاصی توجه نموده و یک ناحیه یا شهر و روستا را بررسی و مطالعه می‌کند:

تواریخ محلی به آن دسته از تواریخی اطلاق

نگاه مورخ جزئی‌نگر است و مسائل پیرامون را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد تا از چگونگی ظهور و افول، رشد و نمو، تغییر و تحول، تداوم و انقطاع رویدادها و یا پدیده‌های جامعه اطلاع یابد و محدوده فعالیت مورخ محلی بیشتر اجتماعی و اقتصادی است، هرچند می‌تواند سیاسی هم باشد؛ اما تلاش بر آن است که زوایای ناپیدا و پنهان جامعه را نشان دهد و اهمیت وجودی آنها و یا تأثیرات سوء آنها را بازگوید. در این صورت، کاربری تاریخ‌نگاری محلی متفاوت است (نورایی، ۱۳۹۰: ش ۱۶۳، ۵).

جدول شماره (۱) خصوصیات محلی‌نگاری سنتی

شاخصه	محتوای اصلی محلی‌نگاری سنتی
انگیزه نگارش	تشویق حکام، رقابت میان مورخان درباری، علاقه به زادگاه و علائق دینی
محتوا	موضوعات منفرد: اصناف، سیاست، محلات و شهرنشینی، عجایب، زندگی شعرا و رجال
فلسفه و روش	گذشته‌گرایی، اخلاق‌مداری، روش-شناسی طولی، نگاه محلی، روایت‌گری و واگرایی
منابع	نقل قول، مشاهده وقایع، دیوان و دفاتر و اسناد اداری، تاریخ عمومی

(اقتباس از: نورایی ۱۳۹۰: ش ۱۶۳، صص ۵-۲)

#### ۵. دسته‌بندی آثار محلی‌نگارانه اعتمادالسلطنه

در این بخش از نوشتار فهرست‌وار به محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه اشاره می‌شود:

الف) آثار شخصی اعتمادالسلطنه: ۱. روزنامه خاطرات، ۲. رساله خلسه.

ب) آثار رسمی اعتمادالسلطنه: ۱. تطبیق لغات جغرافیایی در ایران، ۲. مرآة البلدان، ۳. مطلع الشمس،

#### ۴. التدوین فی احوال جبال شروین.

پ) مقالات تاریخی اعتمادالسلطنه: ۱. قلعه نور، ۲. خانقاه و مقبره صدرالدین ابراهیم بن سعدالدین حمویی جوینی در تل لویزان، ۳. جغرافیای قدیم و جدید طالقان، ۴. احوال بلوک مال امیر/ مال میر، ۵. تاریخ انتزاع ممالک محروسه ایران از تحت سلطنت عرب، ۶. مستوفی الممالک میرزا یوسف صدر اعظم، ۷. تواریخ متعلقه به مقبره طغرل، ۸. قیراط الماس فی ترجمه سلماس، ۹. جغرافی و تاریخ لار، ۱۰. تحقیق در مذهب علی الهی، ۱۱. سفرنامه ناصرالدین شاه به نمارستاق مازندران.

ت) آثار اقتباسی و ترجمه‌ای: ۱. تاریخ بابل و نینوا، ۲. رساله رقابت روس و انگلیس در آسیای مرکزی و افغانستان.

ث) رساله‌هایی در زمینه نوسازی: ۱. قانون تسهیل ساختن طرق و شوارع، ۲. کاداستره.

ج) آثار مختص جغرافیای تاریخی: ۱. تاریخ بلده نور، ۲. کتابچه وضع قدیمه و حالیه شهر میبد، ۳. تحریر جغرافیای خمسه، ۴. مرآة البلدان.

ح) سفرنامه‌ها: ۱. سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران، ۲. سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان.

خ) روزنامه‌های چاپ اعتمادالسلطنه با مضامین محلی‌نگاری: ۱. روزنامه مرآت السفر و مشکوه الحضر، ۲. اردوی همایون، ۳. روزنامه شرف.

#### ۶. اهداف تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه

تاریخ‌نگاری عبارت است از:

جهان‌بینی و نگرشی است که در شکل کامل خود، تاریخ را محیط و موثر در تمام امور انسان اعم از فهم، عقل، شناخت، عقاید و فرهنگ او و تعیین

۴. کسب تجربه از علوم و بالابردن سطح دانش مردم: کسب تجربه در جهت تعالی روند سامان سیاسی- اجتماعی ملت‌ها همراه با کشف مجهولات از هدف تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه بود. اعتمادالسلطنه در فواید تاریخ بیان نمود:

فواید منظوره از تاریخ که عبارت از تجارب و عبر و تیقظ و خبر و فهم و سبب و جهت ترقی و تنزل و اُم و ملل و صعود و سقوط ممالک و دول و مسائل حصول مرام و نتایج سماجت و اقدام و آگاهی از نوادر اعصار و بدایع آثار و به دست آوردن مقالید علوم و مفاتیح آداب و رسوم و افتتاح مناہج و مسالک و احتراز از مساوی و ممالک و هزار چیز دیگر است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۸: ۲۰۳).

۵. شناخت شهرها و اماکن گمشده: اعتمادالسلطنه در مقدمه کتاب *مرآة البلدان* آورده است:

پس بنابراین کتابی که موسوم به «مرآة البلدان ناصری» است لغت تاریخی و جغرافیه ایران است. فی الواقع روح و حیات دادم بعضی شهرها و اماکن را که مرده و خراب بودند و مرور دهور این اماکن را از خاطر برده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ مقدمه).

۶. ترکیب تاریخ و جغرافیا: یکی از اهداف مهم تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه پیوند تاریخ و جغرافیا بوده تا از این ابتکار و خلاقیتش بتواند در تحلیل پدیده‌های محیطی و تاریخی اطلاعات متقنی به خواننده و مخاطبش برساند، در این مورد می‌نویسد:

تاریخ را به جغرافیا الحاق و جغرافیا را به تاریخ الصاق نمودم و گمانم این است که این خدمت بزرگی است که به ملت و دولت ایران کرده باشم (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۶).

۷. حقیقت‌جویی و عدالت در داوری‌های تاریخی: توصیه اعتمادالسلطنه دوری از حُب و بغض شخصی در داوری رویدادها و اشخاص است. وی

کننده مسیر زندگی او می‌داند. هر کدام از این امور، مختص و زائیده اوضاع تاریخی خاص خودند و به زمان‌ها و اوضاع و احوال دیگر تسری‌پذیر نیستند (عرب صالحی، ۱۳۹۱: ۴۹).

در تاریخ‌نگاری مورخ در پی تحلیل اهدافی از قبیل: تعریف تاریخ، شناخت موتور محرکه تاریخ، واکاوی غایت و هدف و فایده تاریخ است. به عبارت دیگر مورخ فلسفه نظری یا جوهری تاریخ را تبیین و تحلیل می‌کند. شاخص‌های تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه عبارتند از:

۱. آگاهی‌بخشی، تنبه قبله عالم و دربار عصر ناصری: نوگرایی محقق بر پایه تجربه‌های شخصی وی از زندگی در فرانسه استوار بود.

عجب اینکه برای شاه می‌خوانم هیچ ملتفت نیستند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۷۷).

۲. عبرت‌آموزی: فایده‌مندی تاریخ عبارت از: عبرت‌آموزی، فهم و خبر از علل رشد و زوال تمدن‌ها و حکومت‌ها.

فواید منظوره از تاریخ که عبارت از تجارب و تیقظ به دست آوردن... (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۰۳).

۳- واقعه‌نگاری: توجه به مؤلفه «واقعه‌نگاری» در نوشتار و محتوای تاریخ‌محلی از شاخصه‌های مهم بوده و از این حیث در محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه واقعه‌نگاری و ثبت رویدادهای تاریخی به وسیله مشاهدات عینی و ابزار گردآوری اطلاعات به روش میدانی از خصوصیات برجسته و نوین تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه بوده است و می‌نویسد:

پس شرح و حال هر یک را به طوری نگاشتن که از دقایق حالات چیزی فوت نشود و با لباس صدق و راستی بر وفق مراد آید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۵).

حال دگردیدی و نیل به پیشرفت و علمی شدن بود. اعتمادالسلطنه این فضای پیشرفت و توسعه را چنین ترسیم می‌کند:

این فن شریف با کثرت تصانیف در ایران سخت سست و ضعیف بوده [...] در این دوران جاویدان تاریخ قدیم ایران بر کتب متأخرین از مورخین اروپا، چه متقدمین از زمان هرودوت و چه مؤخرین که غالباً در قید حیات هستند عرضه گردید و تاریخ‌های عرب و فرس و فرنگ با یکدیگر تطبیق افتاد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۳۱).

نقد روایت از جمله خصوصیات تاریخ‌نویسی وی بود. اعتمادالسلطنه در بخش‌های مختلف اثرش به منابع مختلف بسنده نمی‌کند و بعد از نقد آن، نظر خویش را پس از نگارش می‌آورد. همچنین بر روایت‌ها و اخباری را که از نظر عقلانی صحیح به نظر نمی‌آیند، تمرکز می‌کند و آنگاه با تطبیق آن روایات با گزارش‌های مندرج در منابع دیگر درصدد کشف حقیقت تاریخی برمی‌آید. در رساله خلسه بیش از هر کتاب دیگری به این اقدام دست زد.

۱۱. گرایش به توسعه حقوق شهروندی در فرایند گفتمان نو: گفتمان به معنای مجموعه یا دستگامی بینشی است که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه شده، بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد و گاه حتی بر آگاهی یک دوران تاریخی نیز سایه می‌اندازد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۱۹). از بسامدهای تأثیرگذار در اندیشه و نظام گفتمانی عصر ناصری و یکی از انگیزه‌های تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه توجه به بحث حقوق اجتماعی - شهروندی است. در روزنامه ایران به این مسئله توجه نمود. توجه به اهمیت علوم جدید، انتشار تجربیات پزشکی و شیوه درمان نوین (روزنامه

«بی‌غرضی» را از ویژگی‌های مورخ امانت‌دار می‌داند. از نظر اعتمادالسلطنه مهم‌ترین ویژگی مورخ، رعایت عفت کلام و خودداری از دشنام دادن و ذکر حقایق و فساد و خیانت فاسقان می‌باشد.

مورخ باید با کمال بی‌غرضی مطلب بنگارد، مورخ امانت و خیانت هر کسی را باید بنگارد و فسق و یا عبادت ابناء زمان را حق نگارش دارد اما دشنام دادن به ایشان شأن تاریخ‌نگار نیست (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۱۴۷).

۸. ضعف و فترت تاریخ‌نگاری در دستگاه ناصری: نوگرایی در تاریخ‌نگاری و پایان بخشی به نگارش تکرار و مکررات و اصلاح ساختار آن از انگیزه‌های اعتمادالسلطنه در تاریخ‌نگاری بود. در رساله خلسه می‌نویسد:

حقیقت مطلب آن است که من در حال حیات چندان به تواریخ و شرح زندگانی گذشتگان معتقد نبودم و غالب سیر و اخبار مافیہ را افسانه می‌پنداشتم زیرا که مکرر می‌دیدم که یک مطلب را از خانه همسایه در مدت یک ساعت به انحنای مختلف خبر می‌دهند و روایت می‌کنند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۲).

۹. ایجاد سبکی نوین در تاریخ‌نگاری: اعتمادالسلطنه پیرامون ابتکاری بودن روشش نسبت به سبک کهن تاریخ‌نگاری می‌نویسد:

اگر من مُردم دیگر ایرانیان باید کار این مرد را ادامه دهند و در آثار خود از مبتکر این فکر نیز نامی نیکو برند و زحمتم را به چیزی شمرند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۰۴).

۱۰. نقد متون: باید در نظر داشت که عهد ناصری، دورانی است که در آن تاریخ نیز به سان بسیاری دیگر از فنون و مهارت‌های آن دوران در

ترکیبی از روش‌های، روز شمار تلخیصی و روز شمار تفصیلی استفاده نمود. در روش مذکور تاریخ نگاری، مورخ به جای اینکه یک واقعه را در حد یک عبارت کوتاه و یک جمله گزارش و روایت کنند، به نگارش حوادث مرتبط با آن حادثه یا روز واقعه به صورت مبسوط می‌پردازند. محتوای کتاب مطلع‌الشمس یک صورت از تاریخ‌نگاری نقلی تفصیلی در محلی‌نگاری است.

## ۲. خاطره‌نگاری:

خاطره‌نگاری یا روزنامه‌نگاری یکی از ابتکارات نوین اعتمادالسلطنه در تاریخ‌نگاری می‌باشد که تحت تاثیر ادبیات فرانسه با کمک همسرش آن را به رشته تحریر درآورده است. اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات به دو روش شفاهی و مکتوب به شرح حوادث عصرناصري می‌پردازد.

## ب) تاریخ‌نگاری تحلیلی

در این روش اعتمادالسلطنه در کنار نقل روایات غالباً ترکیبی، به تحلیل، تبیین و بررسی علل و نتایج رویدادها اشاره می‌نماید. دیدگاه اعتمادالسلطنه در تاریخ‌نگاری تحلیلی در واقع تاریخ عملی و اخلاقی بوده و حوادث و پدیده‌های تاریخی را آزمایشگاهی برای تحصیل تجربه دانسته است.

انواع تاریخ‌نگاری تحلیلی در آثار اعتمادالسلطنه به عبارتند از:

### ۱. تاریخ‌نگاری تحقیقی:

از سبک‌های تاریخ‌نگاری تحلیلی است و محقق به دنبال اثبات فرضیه یا یک مطلب خاص به وسیله جمع‌آوری و ارائه شواهد و مدارک است، لذا این نوع تاریخ‌نگاری همواره مبتنی بر فرضیه‌ای است و نویسنده به دنبال آن است که شواهد کافی و معتبر

ایران، ش ۴۹۷-۴۳۰، ۱۲۹۷ق) ذکر خاطرات پزشکان انگلیسی، درج مسئولیت انجام آبله کوبی مردم تهران طی حکمی از سوی ناصرالدین‌شاه (روزنامه ایران، ش ۴۲۱، رجب ۱۲۹۷ق)، نوشتن قوانینی برای کارکنان اداره حفظ‌الصحة و امور تنظیفیه در روزنامه ایران مشاهده می‌شود.

نمودار شماره ۲: اهداف اعتمادالسلطنه از تاریخ‌نگاری



## روش‌های تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه

روش‌ها و خصوصیات محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه به شرح زیر می‌باشد:

### الف) تاریخ‌نگاری نقلی

به طوری که از نوشتار و محتوای روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مستفاد می‌شود، عمده‌ترین شیوه گردآوری اطلاعات وی به سبک نقلی یا روایت از منابع دیگران بوده که در تاریخ‌نگاری نقلی قابل تبیین می‌باشد و به دو شیوه زیر دسته‌بندی می‌گردد:

#### ۱. گزارش‌نویسی تاریخی:

اعتمادالسلطنه در این شیوه با متدگوناگون و



از این حیث وی یکی از مورخان توانمندی می‌باشد که در اکثر اسلوب تاریخ‌نگاری دارای تألیف بوده و به نوعی از محلی‌نگاران کم نظیر می‌باشد.

#### ۷. شاخصه‌های جدید تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه

##### نسبت به سنت تاریخ‌نگاری محلی

اعتمادالسلطنه علاوه بر استفاده از سبک تاریخ‌نگاری سنتی، از روش‌های نوین تاریخ‌نگاری نیز استفاده نمود. در واقع به نوعی به لحاظ موقعیت زمانی- مکانی حالت میان گذار از تغییر شیوه سنتی به نوگرایی قرار گرفته است. بنابراین خصوصیات متمایز تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه نسبت به سنت تاریخ‌نگاری ایرانی عبارتند از:

##### ۱. پرهیز از اخبار ضعیف و خرافه:

مستند و صحیح بودن روایات مورد توجه اعتمادالسلطنه بود. وی یقین در صحت مطالب را از شیوه‌های خویش در نگرش و ثبت مطالب می‌داند. معتقد بوده تاریخ‌نگاری با کثرت تصانیف در ایران سخت سست و ضعیف بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۹۴).

##### ۲. نفی حبّ و بغض شخصی در نگارش تاریخ

اعتمادالسلطنه حبّ و بغض شخصی در نگرش و نگارش تاریخی را هم امری ناپسند و باعث تحریف واقعیت‌ها دانسته و هم عاملی برای کاهش اعتبار فرد در تاریخ‌نگاری و فرو کاستن ارزش تاریخی فرد می‌داند.

شاید شرح و حال امین‌الملک را هم در موقعی بنویسم، اما هر چه من نوشتم محل اعتبار نباید باشد چرا که با این شخص دوست هستم و شاید خیلی تفضیل او بدین واسطه کرده باشم پس بهتر است

برای اثبات آن فرضیه ارائه کند. نمونه این شیوه تاریخ‌نویسی محلی‌نگاری‌های (تاریخ سوادکوه، ورامین و نور) می‌باشد. نمونه‌ای دیگر از این شیوه تاریخ‌نگاری، اعتمادالسلطنه در رساله "حجة السعادة فی حجة الشهادة" است. در این اثر حوادث تاریخی آسیا، آفریقا و اروپا هم‌زمان با واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) با هدف خاص ذکر تاریخ عالم در سال ۶۱ق، بنا به درخواست ناصرالدین‌شاه نوشته بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۱-۱۰).

##### ۲. تاریخ‌نگاری اسنادی:

در تاریخ‌نگاری اسنادی مورخ بر اساس اسناد و مدارک به تحلیل پدیده‌های تاریخی می‌پردازد. عموماً اسناد تاریخی لایه‌های پنهان حوادث تاریخی را روشن می‌سازند و اساس علم تاریخ بر این پایه استوار است. در مقالات تاریخی اعتمادالسلطنه از اسناد استفاده نمود.

##### ۳. تاریخ‌نگاری محلی به روش فرهنگ‌نامه‌ای:

یکی از روش‌ها و شیوه‌های نوین تاریخ‌نویسی از نوع دانشنامه‌ای توسط اعتمادالسلطنه بوده است. از این روش در تدوین و گردآوری کتاب مرآت البلدان استفاده نمود. اهمیت این نوع تاریخ‌نگاری، به این است که هدف و غایت اصلی این شیوه در اصل ایجاد مأخذ و منبع برای تاریخ‌نویسی است.

##### ۴. تاریخ‌نگاری داستانی:

شیوه دیگری از تاریخ‌نگاری است که در قالب داستان مورخ به شرح و تحلیل وقایع و رویدادها می‌پردازد (آئینه‌وند، ۱۳۶۸: ۲۲). رساله خلسه اعتمادالسلطنه نمونه مناسب این شیوه می‌باشد.

با بررسی روش‌های متنوع تاریخ‌نگاری محلی (نقلی و تحلیلی) در آثار اعتمادالسلطنه می‌توان گفت

هیچ نویسم (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۹۸).

۳. نمود مؤلفه‌های مردم‌نگاری در روزنامه‌خاطرات مطالعه دقیق و همه‌جانبه تظاهرات مادی و غیرمادی فعالیت‌های انسانی در جامعه‌ای محدود را مردم‌نگاری می‌نامند (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۹۷). روزنامه‌خاطرات اعتمادالسلطنه را می‌توان یکی از آثار برجسته در زمینه مردم‌نگاری و تصویرسازی فرهنگ عامه به شمار آورد. نوشته‌های وی در این کتاب گنجینه‌ای برای مورخان تاریخ‌نگاری محلی است. در برخی موارد در یک محدوده خرد زمانی و مکانی به مطالعه گوشه‌ای از تاریخ حیات اجتماعی مردم ایران می‌پردازد و از این لحاظ روزنامه‌خاطرات بعنوان یک اثر ارزشمند به مؤلفه‌های حیات اجتماعی و مردم‌نگاری اشاره می‌نماید. شاخص‌های فرهنگ عامه در روزنامه‌خاطرات عبارتند از:

#### الف) مؤلفه‌های اجتماعی - جغرافیایی

نوع آب و هوا و خلق و خوی مردم ایالات مختلف ایران، آداب قلیان کشیدن، اعتقاد به باورهای اسلامی از قبیل: نذر و تبرک و شفا و دعا، اثاث البیت ایرانیان (که بسیار مختصر و محدود است شامل: قالی و نمد، لباس، رختخواب، ظروف و وسایل آشپزخانه، آینه و شمعدان)، دارایی و طرز تقسیم ارث (طبقات مردم، دارایی و ثروت، پرداخت مالیات، حقوق دیوانی، تقسیم مالیات و عواید، شرح مراسم نامزدی و عروسی، اشاه به مذاهب متنوعه در ایران (اسلام، زرتشتیان، ارامنه، یهودیان)، آداب و رسوم روز جمعه و عبادات و مراسم عزاداری، توصیف ابتکارات ناصرالدین شاه قاجار در برقراری مراسم ماه محرم و جشن‌های میلاد اهل بیت، معرفی

کاروانسراها (معماری، کارکردها، بانیان، راهزنی)، توصیف اوضاع اجتماعی ایران در زمان برپایی مراسم (جشن بزرگ نوروز، مراسم سلام عام در دربار، رد و بدل هدیه)، معرفی شکارگاه‌های مورد استفاده ناصرالدین شاه در اطراف تهران از قبیل: دوشان‌تپه، دره‌لار، شهرستانک، سرخه حصار و قلعه حسن‌خان. ذکر نام حیوانات در شکارگاه: کفتار، گرگ، شغال، روباه، دله، یوزپلنگ، سیاه‌گوش، شیر بدون یال خوزستان، پلنگ، خرس، آهو.

#### ب) مؤلفه‌های بهداشتی

اشاره به شیوع انواع بیماری‌ها، گرمابه‌های ایرانی (معماری، اعمال، آداب، وسایل و مواد نظافت)، کثیفی جاده‌ها و خیابان‌های داخلی شهرها، آبله کوبی، مرگ و میر در میان عامه مردم، سوءتغذیه، نبود بهداشت و سازمان‌های بهداشتی، اشاره به وضعیت نامناسب جاده‌ها و حمام‌های عمومی، طبابت، جراحی و مراسم تشییع جنازه، اعمال حکیم طولوزان، مناصب پزشکی، اشاره به امراضی چون وبا و طاعون، قحطی و خشکسالی و پیامدهای ناشی از آن.

#### ج) مؤلفه‌های سیاسی - مذهبی

شرح و تحلیل اوضاع اجتماعی - سیاسی روحانیون، حاجیان، دراویش و بازاریان و فعالیت‌های آنان در امور سیاسی (احترام به روحانیون و حل و فصل اختلافات مردم، قرآن و استخاره، محاکم شرعی، مدارج و عناوین مقامات روحانی شامل: شیخ الاسلام، مجتهد یا بیوک آقا، آخوند و ملا و وظایف آنها)، ماجراهایی از بخل و خست و زنبارگی و سایر خصوصیات اخلاقی و روحیات شاه، رسم فراگیر هدیه و انعام و خلعت،

ظاهر و پوشاک و آرایش شاه و ملکه، وضع ارتش، خواجهگان، درباره قشون و شوراهاى نظامى.

۴. معرفى و نقد منابع و مأخذ مورد استفاده

يکى ديگراز روش‌هاى نوين در تاريخ‌نگارى اعتمادالسلطنه، مستند قراردادن مطالب با استفاده از ذکر منابع فهرست محتوا و اعلام مى‌باشد.

۵. به کارگيرى از فن ترجمه در تاريخ‌نگارى

ناصرالدین شاه به ترجمه کتاب‌هاى تاريخى و ادبى بسيار اهميت مى‌داد. افتتاح دارالترجمه ناصرى بيانگر توجه ويژه او به اين امر است. در دارالترجمه ناصرى، مترجمان زيرنظر اعتمادالسلطنه «مترجم حضور همايون»، آثار ادبى برجسته‌اى را از عربى، فرانسه، انگليسى، آلمانى، تركى، اردو و زبان‌هاى ديگر به زبان فارسى برگرداندند و بخشى از شايسته‌ترين و ماندگارترين آثار را به يادگار گذاشتند.

۶. آشنائى با زبان‌هاى مختلف

از جمله برجستگى‌هاى شخصيت علمى اعتمادالسلطنه به عنوان يک مورخ، آشنائى او با سه زبان عربى، فرانسوى و تاحدى انگليسى مى‌باشد. تسلط به چند زبان و استفاده از منابع کهن و نوين اروپائى، دامنه منابع و اسناد مطالعاتى و حتى وسعت جهان‌بينى اعتمادالسلطنه را افزايش داد. از اين طريق گام‌هاى را در تغيير شيوه تاريخ‌نگارى سنتى به سمت تاريخ‌نويسى نوين در نوشتار تاريخى و آثار وى مشاهده مى‌شود. مصداق جامع اين نوع تاريخ‌نگارى که متفاوت با تاريخ‌نگارى سنتى اش بوده *مرآت البلدان* مى‌باشد که براى اولين بار کتابى بدین شکل با شيوه ابزارگردآورى اطلاعات ميدانى (مصاحبه و اسناد دولتى) و کتابخانه‌اى تحريرشده بود.

۷. کاربرد تاريخ شفاهى

بهره‌مندى از تاريخ شفاهى در تاريخ‌نگارى ايرانى بسيار محدود بوده. مورخان دنياى قديم کپى‌بردارى از آثار پيشينيان بدون ذکر منبع و مأخذ را بسيار ارجمندتر از بهره‌مندى از ديده‌ها و شنیده‌هاى خویش مى‌انگاشتند و در اين ميان تاريخ شفاهى در نازل‌ترين سطح قرار داشت.

اعتمادالسلطنه برخلاف بسيارى از اسلاف و هم‌عصران خود به طور گسترده‌اى از تاريخ شفاهى بهره برده است و براى غناى هرچه بيشتر اثر خود به مصاحبه با افراد مختلف پرداخته است. روزنامه خاطرات وى معروف‌ترين نوع بهره‌مندى از مصاحبه شفاهى در تاريخ‌نگارى است. بهره‌مندى از تاريخ شفاهى در سرتاسر متن روزنامه خاطرات به چشم مى‌خورد. وى شنیده‌هايش از هر کس را قبول ندارد و تنها وقتى از فرد امين و مطمئنى روايتى شفاهى را مى‌شنود آن را بر روى کاغذ مى‌آورد.

۸. اهميت به ارجاعات و يادداشت‌ها

ذکر ارجاعات و يادداشت‌هاى مربوط به برخى از اعلام جغرافيايى، رجال و حوادث تاريخى براساس مشاهدات ميدانى مبتنى بر مشاهدات و مصاحبه‌ها، نمودى از فعاليت‌هاى علمى اعتمادالسلطنه در تاريخ‌نگارى محلى است.

۹. مهارت در نگارش جغرافياى تاريخى و تحليل

وجه تسميه شهرها: اعتمادالسلطنه توجه ويژه‌اى به جغرافياى تاريخى مناطق ايران به ويژه در ريشه‌يابى و نام‌گذارى شهرها و اماکن داشت. ميزان توجه اعتمادالسلطنه به مسئله جغرافياى تاريخى به قدرى است که او بزرگ‌ترين سود و مزيت پيشرفت ايران را توجه به علوم جديد به ويژه جغرافيا و عمران مى‌داند

۱. طبقه‌بندی اطلاعات بر مبنای ترتیب وقوع زمانی رخدادها<sup>۱</sup> مانند: روزنامه خاطرات و رساله حجه السعادة فی حجه الشهاده.

۲. طبقه‌بندی اطلاعات بر اساس نواحی مختلف جغرافیایی<sup>۲</sup> مثل: کتاب مرآت البلدان

۳. طبقه‌بندی اطلاعات تاریخی به صورت موضوعی<sup>۳</sup> مانند: رساله تحقیق در مذهب علی اللهی.

۱۲. چاپ سفرنامه‌های متعدد با اهداف مکان‌نگاری

سفرنامه‌ها، منابعی غنی و مفید از اطلاعات گوناگون در زمینه‌های آداب و رسوم اجتماعی و نام آبادی‌ها، شهرها و احوال برهه‌ای خاص از تاریخ است که بعضاً در منابع تاریخی دیگر نمی‌توان یافت. علاوه بر این چون به صورت گزارش رخ داده است، بیش از متون تاریخی به حقیقت نزدیک است. سفرنامه‌های مازندران و خراسان، شواهد گویای فعالیت اعتمادالسلطنه در زمینه محلی‌نگاری در دربار ناصری می‌باشد.

۱۳. نگارش مقالات متعدد پیرامون «محلی‌نگاری در عرض»: از دیگر شاخصه‌های نوین محلی‌نگاری اعتمادالسلطنه نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی با نگاه ریزبین و محققانه بوده که تدوین اکثر این آثار از نتایج سفر ناصرالدین شاه به مناطق مختلف ایران بوده و در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### الف) کتابچه تاریخ آستانه عراق

این کتابچه ۲۴ صفحه‌ای در مورد تاریخ آستانه عراق - یکی از آبادی‌های شهر اراک - با استفاده از منابعی چون: نزهة القلوب، معجم البلدان و کامل التواریخ

۱۰. توجه به اسناد در تحلیل داده‌های تاریخی از دیگر نوآوری‌های اعتمادالسلطنه توجه به اسناد و یافته‌های باستان شناسی است. اعتمادالسلطنه به دلیل ارتباط با دیوان، دربار و تحصیل در فرانسه ده‌ها سند تاریخی دوره زندیه تا عهد قاجار را بازخوانی می‌کند و نسخه‌ای از سواد آن را عیناً در اثر خویش تکرار می‌کند. هر چند این فعالیت علمی وی (بازخوانی اسناد) ابتدایی‌ترین شکل بهره‌گیری از سند در تاریخ است، اما همین که او همت کرده و بخشی از گذشته را از خطر نابودی نجات داده برای مورخان روزگار اکنون ما بسیار ارزشمند است. با این وجود اعتمادالسلطنه باستان‌شناسی را به خدمت تاریخ و تاریخ‌نگاری نوین در می‌آورد و به هنگام نگارش تاریخ به پژوهش‌های باستان شناسی در ابنیه و مزارات می‌پردازد و تاریخی بسیار تکمیل‌تر را عرضه می‌کند. وی در این راه از پژوهش مورخان غربی بهره می‌جوید. وصف معماری و بازخوانی سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌های موجود مهم‌ترین ابنیه تاریخی ایران، مقابر، بقعه‌ها، حمام و کاروانسراها به نحو احسن انجام داده است. جالب‌ترین بخش این مطالعات اشاره به توصیفات اعتمادالسلطنه درباره چگونگی ویرانی بقایای آثار تاریخی ایران در رساله‌های قلعه ایرج ورامین، خلعه و جغرافیای قلعه و تاریخ نور می‌باشد.

۱۱. سازمان‌دهی و طبقه‌بندی محتوایی در

#### محلی‌نگاری

با در نظر گرفتن یافته‌های نوین روش گردآوری اطلاعات در جغرافیا و تاریخ اعتمادالسلطنه چندین روش متفاوت برای طبقه‌بندی اطلاعات تاریخی قرارداد که عبارتند از:

1. Chronologic
2. Geographical
3. Topical

شرف، در رابطه با تاریخچه بنا و آرامگاه طغرل سلجوقی، چاپ شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۲ق، شرف، نمره ۲۹).

۱۴. به‌کارگیری علوم جغرافیایی در تاریخ‌نگاری محلی

جغرافیا دانشی است درباره علم شناخت محیط، طبیعت و جامعه. مهم‌ترین اثر اعتمادالسلطنه در زمینه محلی‌نگاری تدوین و تألیف فرهنگ‌نامه مفصل جغرافیایی با عنوان *مرآت البلدان* است که به جز اطلاعات جغرافیایی، شامل مطالبی تاریخی درباره شهرستان‌ها، شهرها و روستاهاست. مطالب کتاب به ترتیب حروف الفبا تدوین شده است.

متأسفانه مؤلف نتوانست این وظیفه مهم را به انجام رساند. کار انتشار فرهنگ‌نامه متوقف ماند و از محدوده ۵ حرف اول الفبای فارسی تجاوز نکرد. اعتمادالسلطنه پس از سفر ناصرالدین شاه به خراسان کتاب بسیار مفصلی در سه جلد با عنوان *مطلع الشمس* نوشت که تألیف ممتاز و جامع‌یدر زمینه محلی‌نگاری است و آن را می‌توان مکمل *مرآت البلدان* دانست.

این کتاب که گزارش سفر مربوطه است، از نوع آثار جغرافیای اقلیمی است، ولی در عین حال، به شیوه فرهنگ‌نامه نوشته شده و شامل گزارشی از خراسان و تاریخ آن است. مؤلف ضمن شرح و گزارش هر مکان، به رجال و مشاهیر آن ناحیه و آثار ادیبان و شاعران با ذکر نمونه‌هایی از اشعار آنان، اشاره کرده است. او ضمن گزارش مربوط به راه مشهد، از جمله دماوند، فیروزکوه، بسطام، بجنورد و قوچان، به وصف منازل بین راه پرداخته است. جلد دوم شامل وصف مشروحو از مشهد و تاریخ آن تا ۱۳۰۲ق

نوشته است (اعتمادالسلطنه، تاریخ آستانه عراق، نسخه خطی شماره ۲۷۹ کتاب خانه ملی ایران).

#### ب) تاریخ بلده نور

این کتابچه ۲۲ صفحه‌ای درباره تاریخ و جغرافیای شهر نور مازندران است. به احتمال این کتابچه نیز بخش‌هایی از مطالب چاپ نشده کتاب *مرآت البلدان* باشد (اعتمادالسلطنه، نسخه خطی شماره ۴۳۷۹۶).

#### ج) جغرافیای قدیم و جدید طالقان و تواریخ متعلقه

به آن و شرح رجال و منسوبین به این ناحیه در این کتابچه ابتدا از آبادی طالقان ذکری به میان می‌آید و سپس به منابع تدوین این رساله، از قبیل *معجم البلدان* و *نزهة القلوب* اشاره می‌شود. جغرافیای طبیعی و انسانی طالقان و ذکر اسامی روستاها و بزرگان از دیگر مباحثی است که در این رساله به آن اشاره شده است. این رساله به مناسبت سفر ناصرالدین شاه در اواخر سال ۱۳۰۱ق به طالقان نوشته شد (افشار، ۱۳۸۳، ۶/۳۰).

#### د) احوال بلوک مال امیر / مال میر

در سال ۱۳۰۲ق، در منطقه مال‌میر، از نواحی بختیاری مجسمه‌ای از خاک بیرون آمد که ظل‌السلطان، حاکم اصفهان، آن را به تهران فرستاد (اعتمادالسلطنه، نسخه خطی، ش ۸۹۰/ف، کتابخانه ملی ایران). ناصرالدین شاه پس از ملاحظه این مجسمه به اعتمادالسلطنه دستور داد که مختصات جغرافیایی منطقه مال امیر را بنویسد.

#### ه) تواریخ متعلقه به مقبره طغرل

این مقاله در پاورقی یکی از شماره‌های *روزنامه*

جدول شماره (۲): ساختار محلی‌نگاری در مرآت البلدان

شاخصه	محتوا و بن مایه محلی‌نگاری
روشن‌گرآوری اطلاعات	اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان، استفاده از آرشیو، اسناد، مصاحبه، مشاهده مستقیم پدیده‌ها، خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به شیوه جدید
محتوا	اشاره به وضع معیشت، فولکلور، موقعیت، بهداشت، تجارت، محلی‌نگاری عرضی
هدف	علاقه‌مندی به وطن، شناخت مناطق گمنام، رشد دانش تاریخ با نگاه به تاریخ ملی
منابع	روزنامه، مصاحبه، عکس، اسناد، سکه، منابع آرشیوی، اداری و کلاسیک، بناها

۸. تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید در ایران اعتمادالسلطنه این مقاله را در پیوست کتاب *دُررالتیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان* افزود. محتوای این کتاب نشان می‌دهد اعتمادالسلطنه از روش تاریخ‌نگاری سنتی فاصله گرفته و به سبک و روش مورخان غربی مدل کتابش را تدوین نموده است. به‌عنوان مثال، اعتمادالسلطنه با طرح سؤالاتی از قبیل: هردوت، استرابن و بطلمیوس اسم رود جیحون را چه نوشته‌اند؟ و خوارزم و گرگان را چه نامیده‌اند؟ به طرح موضوع و شناخت پدیده‌های جغرافیایی پرداخت. منابع عمده اعتمادالسلطنه در این کتاب، کتب دانویل<sup>۱</sup> (جغرافی‌دان فرانسوی) بود. در مدت سه سال تمام اسباب این کار را بدون طفره و تعلل فراهم آورد. این کتابچه در سه فصل تنظیم شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۷۵۳).

۹. ویژگی‌ها و خصوصیات نوین تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه

مؤلفه‌هایی از قبیل زمان، مکان و موضوع که سه

است. در این جلد، اعتمادالسلطنه شمه‌ای درباره شاه طهماسب صفوی نوشته که قابل توجه است. جلد سوم کتاب شامل: راه بازگشت شاه و ذکر نیشابور، شاهرود، دامغان و سمنان است که مؤلف به صورتی گسترده به شرح نواحی مسکون آن سامان می‌پردازد.

#### ۷. شیوه‌های گردآوری اطلاعات در مرآت البلدان

در این کتاب، اعتمادالسلطنه برای آنکه زودتر و بهتر بتواند مطالب مربوط به جغرافیای هر شهر و ولایتی را جمع‌آوری نماید، چنین اندیشیده بود که طبق پرسشنامه‌ای از حکام ولایات و ایالات ایران بخواهد تا کلیه اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را گردآوری نموده به دفتر دارالتألیف ارسال دارند. برای تنفیذ بیشتر بخشنامه، مراتب را به شاه نیز عرضه داشته و از مخدوم خود درخواست کرده بود که در این زمینه وی را تأیید و تقویت نماید. ناصرالدین‌شاه در تأیید اعتمادالسلطنه حکمی صادر کرده تا حکام ولایات هرچه زودتر اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را به تهران فرستند.

بدیهی است که حکام نه سواد این کار را داشتند نه فرصت و رغبت آن را؛ بنابراین، حکام در هر شهر با انتخاب یک یا چند نفر از دانشمندان و اهل اطلاع و علاقه‌مندان به کتب تاریخی و جغرافیایی و جمعی از مطلعین محلی، جمع و تحریر اطلاعات مورد نظر را به ایشان محول کردند. با این همه تأکید بخشنامه، ظاهراً باز هم مطالب مورد نظر به موقع نرسیده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۳۳).

### ب) تاریخ‌نگاری محلی در عرض

در این‌گونه تاریخ‌نگاری اعتمادالسلطنه دارای شیوه و مدل خاصی از فنون محلی‌نگاری است. وی موضوعات خاصی را در یک مقطع زمانی مشخص، معمولاً دایره‌ی زمان زیست خویش، از شهر و روستای خود مورد ثبت و ضبط قرار داد. مصداق این سبک نگارش رساله‌های راه کجور، کلاردشت، دوشان تپه، جغرافیای طالقان، منازل سوادکوه و جغرافی دره‌ی لار است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۵۵).

اعتمادالسلطنه در روش تاریخ‌نگاری در عرض، به شرح معرفی موقعیت مکانی، آب و هوا، امامزاده‌ها، جاده‌ها، تغذیه و پرورش دام و طیور، وضعیت بهداشتی، پستی و بلندی و ناهمواری‌های زمین، محصولات، صادرات و واردات و نیز صنایع یک منطقه اشاره نمود. حتی آداب و رسوم و سنت‌های آنجا را بازگو نمود و در توصیف یک شهر، آثار و ابنیه مهم آن را بر شمرده، شخصیت‌ها و نام‌آوران آن را یاد می‌کند. نگاه در عرض از یک منظر نگاهی جغرافی‌گراست. به عبارتی پرداختن به موضوعات گروهی از افراد جامعه در مقطع زمانی و مکانی خاص، بن مایه اصلی تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه بوده که با شیوه سنتی محلی‌نگاری متفاوت بوده است. زمان طرح‌ریزی پژوهش یا کتاب بر اساس یک برش زمانی معین و از پیش تعیین شده، سنتی جدید است که در تواریخ محلی اعتمادالسلطنه ملاحظه می‌گردد.

یکی دیگر از محتوا و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه در حوزه اجتماعی است. مسائلی که در حوزه اجتماعی تاریخ می‌تواند مورد تحقیق مورخ محلی‌نگار باشد عبارت است از:

عنصر و مشخصه اصلی محتوای تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه بوده در دو حیطة تاریخ‌نگاری محلی در طول و تاریخ‌نگاری محلی در عرض قابل بررسی است:

### الف) تاریخ‌نگاری محلی در طول

اعتمادالسلطنه در نگارش تاریخ و جغرافیای ورامین بنا بر دیدگاه خود به بررسی علل نامگذاری ورامین و شرح موقعیت جغرافیایی، معرفی دهات و آبادی‌ها و آثار تاریخی این شهر، از آغاز پیدایش تا زمان خودش، پرداخت و منابع مهم وی، علاوه بر فنون مشاهده و اسناد دولتی، متون تاریخی - جغرافیایی بود. از آثاری مانند *نزهة القلوب*، و *مجالس المومنین* نوشته نورالله شوشتری بهره برد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

یکی از معروف‌ترین محلی‌نگاری‌های اعتمادالسلطنه در بعد طولی، رساله *جغرافیای نور*، در تاریخ باستان تا عصر ناصری، است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۰۰).

جدول ش ۳: نمونه‌ای از ساختار محلی‌نگاری در طول

شاخصه	محتوای رساله جغرافیای نور
روش مکان‌نگاری	استفاده از فنون مشاهده و مصاحبه در معرفی رودها، بناهای تاریخی، ذکر دما، رطوبت، ارتفاع، میوه‌ها، قلعه، کوه، ویژگی جاده‌ها و فرهنگ عامه
منابع	<i>تاریخ گیلان فومنی</i> ، <i>تاریخ طبرستان مرعشی</i> ، <i>عالم آرای عباسی</i> ، <i>تاریخ گیلان خانی</i> و کتیبه‌ها
عنصر زمان	اشاره به تاریخ و جغرافیای نور از دوره باستان تا عصر ناصری در بعد طولی محلی‌نگاری
دسته‌بندی بلوکات	بلوکات نور، بلده و نمارستاق و شرح بناهای تاریخی منطقه، بررسی روستاها و ذکر جمعیت و معرفی اشخاص تاریخی، علما و رجال نور

ج) ترکیبی از روش‌های تاریخ‌نگاری در بعد طولی و عرضی

برجسته‌ترین اثر اعتمادالسلطنه در حوزه تاریخ‌نگاری محلی مبتنی بر ترکیب جدیدی از دو روش طولی و عرضی کتاب ارزشمند *مطلع‌الشمس* می‌باشد. می‌توان آن را تنها کتاب شاهکار و جامع با موضوع تاریخ‌نگاری محلی خراسان دانست. به بخش‌هایی از مدل و طرح پژوهشی اعتمادالسلطنه در این اثر ارزشمند و نوین اشاره می‌شود.

۱. مؤلف ضمن معرفی شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک به بیان ویژگی‌های جغرافیایی آنها مانند آب و هوا، محصولات طبیعی، بیان مسافت‌ها، تعداد خانوار، منازل و مغازه‌ها همراه با حرفه آنها، محلات، بیان نژاد و مسلک مردم ساکن در آن محل می‌پردازد و مالک یا صاحب هر روستا را معرفی می‌کند و معمولاً وجه تسمیه مکان‌های گوناگون را بیان می‌دارد.

۲. رجوع به کتاب متقدمانی مانند اصطخری، مقدسی، ابوالفدا، یاقوت، حمدالله مستوفی، ابن بطوطه می‌باشد.

۳. بیان شرح حال افراد مهم و بزرگان از قبیل: امام زاده‌ها، علما، شعرا، اصحاب تصوف، هنرمندان مانند: بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، فردوسی، غزالی.

۴. استفاده مؤلف از منابع تحقیقاتی گوناگون مانند وقف‌نامه‌ها، فرمان‌ها، کتیبه‌ها، سکه‌ها، نقوش، قلعه‌ها و بناهای تاریخی و مهرها.

۵. آشنایی اعتمادالسلطنه با سفرنامه‌های سیاحان خارجی مانند فریزر، هانویی، فروشایرو نقل مطالب آنها در کتاب خویش که بعضاً با نقد نظرات و

فرهنگ و هویت، منابع انسانی و اقتصادی، نظام اجتماعی، تحلیل یک پدیده بر مبنای تداوم و تغییر مانند پیدایش یک شهر یا یک روستا و یا حتی یک ایل. در نوشتار اعتمادالسلطنه از بعد اجتماعی، مؤلفه‌هایی نظیر انواع مجازات، ساختار زندگی شهرنشینی و یکجانشینی، طبقات فرودست، اصناف، شورش‌های اجتماعی، نحوه‌گذراندن اوقات فراغت و آداب و رسوم نمود دارد این تنوع محتوایی و موضوعات در دامنه اجتماعی، نمایی از تغییر نگرش سنت قدیم به نوین در تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه می‌باشد. رساله تغییر وضع *دارالخلافة ناصری* یکی از نوشتارهای ارزنده پیرامون محلی‌نگاری در عرض محسوب می‌گردد که مؤلف اوضاع تهران را در زمینه‌های اجتماعی و فیزیکی در راستای نوسازی از سال ۱۲۶۴ الی ۱۲۹۴ ق مورد بررسی قرار داده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۹۱: ۳۵۹-۳۷۶).

جدول شماره ۴: نمونه‌ای از ساختار محلی‌نگاری در عرض

شاخصه	محتوای رساله تغییر وضع دارالخلافة ناصری
جمعیت شناسی	معرفی محلات و کوچه‌های جدید عهد ناصری، روابط اجتماعی مردم، بازار، رشد و ترقی و آینده‌نگری تهران. بیان ساختار دربار ناصری‌ذکر جمعیت تهران ۳۰۰ هزار نفر
نوسازی	ایجاد کارخانه باروت، احداث مجموعه بناهای گلستان، ذکر باغات و شیوه تحصیل جدید
عنصر زمان	اشاره به تغییر فضای فیزیکی - اجتماعی تهران از سال ۱۲۶۴ الی ۱۲۹۴ ق، در بعد عرضی محلی - نگاری
حیات اجتماعی	درج شیوع بیماری‌های وبا و طاعون، بدی آب و هوا، کمی قنات، اشجار و باغات، خطر سگ - های ولگرد و شرایط سخت زندگی در تهران



اعتمادالسلطنه نشانگر این نکته است که مبتکر این امر خود او نبوده، بلکه او در این رابطه از طرف دیگران مأمور تدوین سالنامه شده است:

جناب صدر اعظم میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به این بنده روزنامه‌نگار مقرر فرمودند المانک یا سالنامه را به تفصیل تدوین نموده منتشر گرداند که به جهت اطلاع از اوضاع اقطار عالم وسیله‌ای بهتر از آن نیست. در این سالنامه‌ها ابتدا فهرست اسامی سلاطین، وزراء، رجال، نظامیان، سفراء، اماکن دولتی و حکومت‌های محلی ذکر شده است. سالنامه سال ۱۲۹۰ق در سال ۱۲۹۱ق به صورت مستقل و جداگانه چاپ شد. سالنامه‌های سال ۱۲۹۱ الی ۱۳۱۲ق در پیوست کتبی مانند: تاریخ ایران، مرآةالبلدان، تاریخ منتظم ناصری، مطلع‌الشمس، خیرات حسان (معرفی زنان نامی)، المآثر والآثار، تاریخ اشکانیان، التدوین فی‌احوال جبال شروین و تاریخ فرانسه چاپ شده است (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۰ق: ساکما سند، ش: ۶۱۰۴۲۱).

### ۱۱. اعتمادالسلطنه و شهرنگاری

«به مجموع تحریر و نگارش تاریخ محلات شهرنگاری گفته می‌شود» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۲). شهرنگاری در دوره قاجار دارای دو رکن اصلی تواریخ محلی و سفرنامه است.

شهرنگاری‌های اعتمادالسلطنه به لحاظ ریخت-شناسی و شاخصه‌های نوین محلی‌نگاری به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱. تاریخ‌نگاری‌های شهری مانند بخش‌هایی از *مرآةالبلدان*
۲. تاریخ شهرهای منفرد از قبیل تاریخ سلماس و ورامین

نوشته‌های آنان همراه است. با بررسی حجم اطلاعات و جامعیت این کتاب، این احتمال وجود دارد که اعتمادالسلطنه از کتابچه‌های اطلاعاتی که حکام محلی در جواب به پرسش‌های وی برای تألیف کتاب مرآت البلدان به دربار ارسال داشته بودند، استفاده کرده باشد. هر چند چنین امری از ارزش این کتاب نمی‌کاهد و آن‌گونه که خود مؤلف می‌گوید تا کنون کسی اثری به این گستردگی درباره تاریخ خراسان و به ویژه مشهد تألیف نکرده است. به نظر وی زمانی که علم جغرافیا در جهان اسلام رونق داشت، شهر مشهد دارای اهمیت و جاذبه‌های امروزی نبود و هنگامی که این شهر رو به آبادانی گذاشت، علم جغرافیا دچار فترت شد. خاصه این که مؤلف وارد حرم رضوی شده، تمام بناها را با دقت دیده، تمام کتیبه‌ها را خوانده و نوشته و حتی صورت کتاب‌های کتابخانه آستان قدس رضوی را به شکلی مشروح نام برده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۹۲).

و همچنین شرح جالبی از روستای «میامی» که ساختار آن، براساس دفاع از حملات ترکمانان شکل گرفته بود می‌آورد:

اغلب کوچه‌ها را به خشت سرپوشانیده‌اند. از همه این اوضاع معلوم می‌شود که اهل میامی در مدافعه ترکمان تا آنجا تدارک دیده که در میان شوارع و کوچه‌ها دفاع نمایند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۲۴۲).

### ۱۰. نگارش سالنامه‌های مختلف

سالنامه‌هایی که اعتمادالسلطنه جداگانه و یا به صورت ضمیمه و پیوست در کتاب‌ها چاپ کرد، در شناسایی مقاطعی از محدوده زمانی و مکانی تاریخ محلی ایران می‌تواند استفاده شود. نوشته‌های متعدد

۳. تاریخ شهرهای بزرگ و مرکزی مانند تاریخ

دارالخلافة ناصری در روزنامه خاطرات

۴. جغرافیای تاریخی چون جغرافیای نور

۵. تاریخ‌های منطقه‌ای از قبیل تاریخ سوادکوه

۶. تاریخ اماکن و آثار تاریخی مثل قلعه ایرج

ورامین و جغرافیای قلعه نور

۷. تواریخ رجالی که بخش‌هایی از مرآة البلدان و

سالنامه‌ها را شامل می‌شود.

۱۲. شرح زندگانی عامه در تاریخ‌نگاری محلی در

عرض (تاریخ فرودستان)

مفهوم «تاریخ فرودستان» که گاهی از آن با نام

تاریخ از پائین نیز یاد می‌شود، نوعی روش،

رویکرد و نگاه به تاریخ اجتماعی است.

مکتب‌های مختلف تاریخی وجود دارد، مانند:

تاریخ سیاست، تاریخ ارتش، تاریخ دولت، تاریخ

قدرت، تاریخ دین، تاریخ اداری، تاریخ مردان

نامی. همه این مکاتب به تاریخ فرادستان

می‌پردازند. موضوع اصلی تاریخ فرودستان، شرح

تاریخ توده‌هاست. زندگی عادی و معمولی، بدون

قدرت و ثروت. چنین نگاه و دیدگاه تاریخی به

انسان، جامعه و تاریخ در دنیای مدرن اسباب

ظهور پیدا کرد و محصول رشد و تکامل علمی و

چون اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و

انسان‌شناسی فرهنگی نوین گردید (حسینی، ۱۳۹۱:

ش ۱، ۸۵).

ابتکارات اعتمادالسلطنه در زمینه تاریخ فرودستان

عبارتند از:

۱. شرح تداوم رنج روزمرگی در اثر فشار محیط

جبری استبداد:

اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

من هم تملقات پخته کردم، معلوم شد که موجب

حضرات معزولین قطع شده و شاه طوری برآشفته بودند

که می‌خواست آنها را بر چوب و زنجیر سیاست کند

(اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۲. شرح ظلم حاکمان و والیان محلی: نبود

محکمه دادرسی و قضاوت بدان منجر شده تا

بسیاری از شهروندان ایرانی از شدت ظلم و

ستم والیان به کنسولگری‌های روس و انگلیس

پناهنده شوند. اعتمادالسلطنه در این مورد

می‌نویسد:

مردم کم کم به حقوق انسانی خود آشنا می‌گردند به

نحوی که رعیت عاجز از ستم والی به قونسول خانه

روس می‌روند و بست می‌نشینند (همان: ۸۳).

۳. جایگاه بسیار ضعیف دختران و کنیزان:

کنیزداری و کنیزفروشی از رسوم عجیب و

دردناک عصر قجری بود. کنیز موجود

فلک‌زده‌ای بود که کمترین حق و حقوقی

نداشت. صاحب او اختیاردار زندگی و مرگش

بود. از او کار می‌کشید، تازیانه‌اش می‌زد،

اعتمادالسلطنه به دلیل موقعیت شغلی و

جایگاهش نزد ناصرالدین‌شاه رسیدگی به

نزاع‌های محلی و رفع اختلافات میان زن

وشوهر، بعنوان رئیس اداره امور احتسابیه و

تنظیمیه دعاوی متعددی را طبق حکم

ناصرالدین‌شاه پی‌گیری می‌نمود (ساکما، سند ش

۲/۲۹۵/۷۷۳۰).

نمودار ۳: عناصر محلی‌نگاری اعتمادالسلطنه



دو سطح به دنبال خویش بازتاب‌های اجتماعی فراوانی دارد که از برجسته‌ترین آنها فقر فرهنگی است. به نظر خرافات مجموعه‌ای از باورهای ناشی از نادانی، ترس از امور ناشناخته پدیده‌های طبیعی و انسانی باشد. اعتمادالسلطنه در مورد نادانی شاه نوشت: شاه به حمدالله نادان نیست که از اینها خوشش بیاید و مقدّس نیست که عوام را دوست بدارد اما به یک درجه از اشخاص بی‌علم نادان اعتماد دارد چرا! شاید بعد بنویسم (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

۶. شیوع بیماری و شیوه نادرست درمان: وبا و طاعون از جمله بیماری‌های همه‌گیری بود که در عصر قاجار موجب مرگ و میر گسترده و از بین رفتن نیروی کار و تولید می‌شد. عدم توانایی حاکمان در برقراری قرنطینه و مبارزه با بیماری موجب ویرانی روستاها و محلات، به‌ویژه در مناطق مرزی و عشایری می‌شد (ساکما، سند ش: ۸۰۲۴/۲۹۵). وبا، بالای حکومت و فقر بهداشتی از نمودهای بارز مرگ اجتماعی در عصر قاجار بود: یکشنبه ۲۳ رمضان ۱۲۹۲ق

... طاعون چهل سالی است که خیلی خراب کرده که هنوز آباد نشده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۳۲).

در مناطق گرمسیر، به‌ویژه در زمان جنگ‌ها رشد بیماری وبا نمود بیشتری داشته (پزشکی، ۱۳۸۴: ۱۱) و بدون شک یکی از بسترهای اصلی ناهنجاری‌ها و نابسامانی در دوره قاجار گسترش و انتشار این بیماری بوده است. اعتمادالسلطنه اولین شیوع بیماری وبا را در سال‌های ۱۲۱۱ و ۱۲۲۱ق، در آذربایجان و

۴. تصویرسازی یکنواختی و تکرار روزمره حوادث زندگی: تداوم استبداد و نبود قدرت تفکر و زندگی شبان - رمه‌ای در طول تاریخ ایران منجر شد تا عامه مردم دارای زندگی یکنواختی باشند. در آثار اعتمادالسلطنه به‌طور مکرر حوادث سیاسی - اجتماعی از قبیل: برگزاری مراسم روضه‌خوانی به دلیل فوت فلان شخص، ۴ ساعت از شب گذشته، صرف شام، چاقوکشی در محله‌ها، ریختن زباله در جلوی دربخانه فلانی، فروش اسب و ندادن پول توسط خریدار، حوادث محلات دارالخلافه، ریختن گچ در کوچه‌ها، داخلین و خارجین اداره نظمیه، کتک خوردن ضعیفه‌ها اشاره نموده است (ساکما، اسناد، ش، ۷۷۳۰/۲۹۵).

۵. توصیف جهل و خرافات: از دیگر خصوصیات برجسته تاریخ‌نگاری فرودستان در روزنامه خاطرات توصیف جهل و نادانی می‌باشد که هم شامل جهل مردم و جهل حاکمان می‌شود. جهل و نادانی در هر

می‌خوردند (محمدتقی بیگ ارباب، ۱۳۵۳: ۶۰). این وضع چنان‌که انصاری در «قحطی آدمخواری در ۱۲۸۸» می‌نویسد، در موارد زیاد به خوردن انسان‌ها انجامید (جابری انصاری، ۱۳۲۱: ۵۰). اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

ماهی چندین هزار تومان از دولت به فقرا و ضعفائی که به واسطه قحطی از اطراف ممالک محروسه پناه به دار الخلافه آورده‌اند مرحمت می‌شود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳/۱۹۲۲).

۸. نمود ناامنی و انواع مجازات فرودستان: استمرار ترس و وحشت از ویژگی‌های فضای خفقان‌آلود عصر ناصری از ریز مؤلفه‌های رنج اجتماعی و به نوعی در دایره مرگ اجتماعی قرار دارد. زندگی در شرایط ترس به نوعی بارزترین مؤلفه ناامنی به حساب می‌آید زیرا تحمل شرایط روزمره محیط بسته استبدادی خفقان‌آور است. اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

صبح [دوشنبه ۲۶ رمضان ۱۲۹۸ق] قدری کار داشتم منزل ماندم ریش و سیل از دوسه نفر بریده شد کتک زیادی به یعقوب و یک دو نفر عمله شهر زدم. بازار رفتن ده تومان خرید کردم معجلاً شمران آمدم (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

نمونه‌ها و مصادیقی از انواع مجازات مرگ‌آور بر دهقانان، رعایا و مجرمان با توجه به محتویات روزنامه خاطرات و گزارشات مأموران خفیه انگلیس بین سال‌های ۱۳۲۱ الی ۱۲۹۱ق عبارتند از: ۱. نفی بلد، ۲. کوفتن و تخریب خانه‌ها، ۳. چاپیدن مردم به حکم حکومت، ۴. مصادره اموال مردم، ۵. زنجیر کردن، ۶. توسری، پشت‌گردنی، تودهنی زدن، ۷. بر الاغ نشانیدن، ۸. در جوال کردن، میخ کردن، ۹. سر تراشیدن، ریش‌کندن، ۱۰. چوب زدن، ۱۱. دست بریدن، ۱۲. پی بریدن، ۱۳. گوش بریدن، ۱۴. شکم

ایروان گزارش داد (اعتمادالسلطنه، ساکما، اسناد، ش، ۱/ ۵۲۹-۵۳۱).

زالو انداختن از طریق استخاره یکی از راه‌های درمان بوده که بارها در روزنامه خاطرات بدان اشاره شده بود. اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

در سال ۱۳۰۰ هجری قمری شاه ناگهان فریاد زد که دوار سر دارد، خیلی وحشت دارم. اطباء گفتند زالو بیندازیم به بناگوش یا به مقعد. من عجز کردم که به مقعد بیندازند. استخاره کردند. الحمدلله استخاره زالو انداختن بر مقعد خوب آمد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۹۸).

۷. فقر نان: جامعه در تأمین حیاتی‌ترین نیازهای اولیه‌اش در عصر ناصری دچار بحران‌های متعددی می‌شد، تا جایی که پژوهندگان تاریخ و وقایع‌نگاران دوره قاجار سال ۱۲۸۸ق را سال قحطی همه‌گیر در ایران دانسته‌اند. در این دوره، بارها قحطی در ایران روی داد که بسیاری از مردم را به دیار نیستی فرستاد. تلفات این بلایا را تا ۱۰ درصد جمعیت نوشته‌اند.

مستوفی درباره قحطی و پیامدهایش در سال ۱۲۸۸ق اشاره نمود:

در زمستان سال ۱۲۸۷ق هیچ باران نبارید و مایه‌های سنواتی هم تمام شده بود (مستوفی، ۱۳۸۲: ۱/۱۱۰).

گاهی در زمان خشکسالی برنج شمال را جایگزین گندم می‌ساختند، و به جای نانوائی‌ها، در محله‌های تهران دکان‌های دم‌پختک دائر شد. از این‌رو این پیشامد را «قحطی دم‌پختکی» نام نهادند. کمبود شدید غله عواقب شومی داشت. کسانی که نان نداشتند سگ و گربه و موش و مردار هم



شاه، تنبه و بیداری و ترغیب وی به اعطای آزادی و حقوق شهروندی، با آشنا ساختن وی نسبت به تاریخ، فرهنگ و ادبیات اروپا، به روشنی به چشم می‌خورد.

بنابراین اهداف اعتمادالسلطنه در تألیف آثار شخصی، رسمی، سفرنامه‌ها، جغرافیای تاریخی، ترجمه‌ها و چاپ روزنامه‌ها، با محوریت شناخت اماکن و محلات گمنام ایران، افزایش آگاهی مردم و دربار، تلاش برای عمران و آبادانی ایران، تحول در دربار ناصری و مبارزه با جهل و نادانی در تاریخ‌نگاری بوده و از این حیث آثار گوناگونی را با شاخصه‌هایی مانند: اشاره به اهمیت منابع انسانی، فرهنگ و هویت‌زایی، منابع اقتصادی، تحلیل فضا، مکان، زمان در پدیده‌های تاریخی، توصیف شکل و ساختار فیزیکی شهرها و روستاها، درج جغرافیای تاریخی یک مکان و نظام اجتماعی، تحریر نمود.

همچنین در بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری محلی اعتمادالسلطنه، محلی‌نگاری در «بعد عرضی» نمود برجسته‌تری نسبت به «محلی‌نگاری در بعد طولی» در پژوهش حاضر دیده شده و در گردآوری اطلاعات از روش‌های جدیدی از قبیل: توجه به علوم باستان‌شناسی و جغرافیا، اهمیت به گردآوری اطلاعات میدانی، ابتکار در مکان-نگاری، سفرنامه‌نویسی و شهرنگاری، نگارش رساله‌هایی پیرامون قانون، رفاه و آسایش مردم، توجه به حقوق شهروندی و تاریخ فرودستان، نسبت به سنت تاریخ‌نگاری محلی ماقبلش استفاده نموده است.

## منابع

- آئینه‌وند، صادق (۱۳۶۸). «مکتب تاریخ‌نگاری طبری». مجله کیهان اندیشه. شماره ۲۵. ص ۲۲.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۵۷). خلسه مشهور به خواب‌نامه. به کوشش محمود کتیرایی. تهران: توکا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۸۹). روزنامه خاطرات. با مقدمه ایرج افشار. چاپ هفتم. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۴۵). روزنامه خاطرات. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). چهل سال تاریخ ایران. به کوشش ایرج افشار. تهران: نشر اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳). مرآت البلدان. به کوشش محمدعلی سپانلو و پرتو نوری علاء. تهران: اسفار.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۲۹۴ق). مرآت البلدان. تهران: دارالطباعة دولتی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۰۲ق). روزنامه شرف. نمره ۲۹.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۱). درر التیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان. تصحیح نعمت احمدی. تهران: نشر اطلس.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۲۹۸ق). بریده‌ای از رساله جغرافی و تاریخ لار (نزدیک تهران) [نسخه خطی]. تاریخ نشر: ۱۲۹۸ق. سازمان اسناد ملی ایران شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۳۹ف.

شناسی محلی‌نگاری در تاریخ معاصر ایران». مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران. به کوشش علی رضائی پاجی. ساری: نشر هاوژین.

حسینی، سید قاسم (۱۳۹۱). «تاریخ از پایین». فصلنامه مطالعات فرهنگی. سال اول. ش ۱ (بهار). ص ۸۵.  
رجایی، عبدالمهدی؛ چلونگر، محمدعلی؛ نورائی، مرتضی (۱۳۹۰). «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مؤلفه‌های آن». مجله مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ. سال ۴۳. ش ۴ (بهار و تابستان). ص ۲۹-۵۲.  
روح الامینی، محمود (۱۳۷۷). مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ). تهران: عطار.

روزنامه ایران. شماره‌های ۴۲۱-۴۹۷. به مدیر مسئولی محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه.  
عرب‌صالحی، محمد (۱۳۹۱). تاریخ‌نگاری و دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
قدیمی قیداری، عباس (۱۳۸۸). «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگار زن در ایران». مجله پژوهش‌های تاریخی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان. دوره جدید بهار ۸۸. ش ۱، ص ۱۱-۱۲۸.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۱). وزیر تاریخ‌نگار. تهران: دانشگاه فردوسی مشهد.  
محمدتقی بیگ ارباب (۱۳۵۳). قم: نشر دارالایمان قم.  
مستوفی، عبدالله (۱۳۸۲). شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار. تهران: زوار.

نورایی، مرتضی؛ چلونگر، محمدعلی و عبدالرحیم قنوات (۱۳۸۹). «آغاز تاریخ‌نگاری محلی ایران». مجله تاریخ و فرهنگ. بهار و تابستان. ش ۸۴. ص ۹-۳۸.

نورایی، مرتضی (۱۳۹۰). «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات». کتاب ماه تاریخ و

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۹۱). رسائل (شامل ۲۴ رساله). به کوشش میرهاشم محدث. تهران: اطلاعات.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۲). مطلع الشمس. با مقدمه و فهرس و اهتمام تیمور برهان لیمودهی. تهران: (یساولی) فرهنگسرا.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (بی‌تا). تاریخ بلده نور. نسخه خطی شماره ۴۳۷۹۶. کتابخانه طاهری شهاب ساری.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۴۹). صدر التواریخ. تصحیح محمد مشیری. تهران: وحید.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۲۹۰ق). سالنامه. سال ۱۲۹۰ق. سازمان اسناد ملی ایران. شماره اسناد: ۶۱۰۴۲۱.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۷۹). الحجّة السعاده فی حجه الشهاده. به کوشش و با مقدمه مصطفی فریدپور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۰۸). درالتيجان - فی تاریخ بنی‌الاشکان، تهران: انتشارات همایونی.

افشار، ایرج (۱۳۸۳). فرهنگ ایران زمین. تهران: بنیاد موقوفات افشار.

پزشکی، بهروز (۱۳۸۴). «بیماری وبا و راه‌های پیشگیری از آن». مجله پیام بانک، هفته سوم و چهارم، ش ۴۴۰، ص ۱۱.

جابری انصاری (۱۳۲۱). تاریخ اصفهان و ری. تهران: بی‌جا.

چلونگر، محمدعلی؛ احمدی اختیار، مهدی؛ زینعلی، بهمن (۱۳۹۲). «تاریخ‌نگاری محلی در دوره مغول و شاخصه‌های آن». مجله دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ محلی ایران. سال اول. پاییز و زمستان. ش ۲، دوره ۳. ص ۷۵-۹۰.

حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳). «درآمدی بر ریخت

جغرافی. ش ۱۶۳.

وقایع اتفاقیه (۱۳۶۲). گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۲ تا ۱۳۲۲ قمری. به کوشش سعید سیرجانی. تهران: نوین.

#### اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران):

اسنادی پیرامون ناامنی در زندگی فرودستان: شماره‌های ۷۸۴۳/۲۹۵، ۷۴۹۶/۲۹۵، ۷۷۷۹/۲۹۵، ۶۰۳۶/۲۹۵، ۸۲۸۶۳/۲۴۰.

اعتمادالسلطنه، ساکما. اسناد. ش ۱/ ۵۲۹-۵۳۱.

اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۰ق: ساکما سند ش: ۶۱۰۴۲۱.

«تلگرافات، گزارشات، عرایض و نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه و اعتمادالسلطنه از امور نظمیہ دارالخلافه، شماره ۲۹۵/۷۷۳۰ در ۳۰۴ صفحه. استیصال و خرابی دهات در اثر شیوع بیماری‌ها. شماره بازیابی ۸۰۲۴/۲۹۵.

کمبود گندم و نرخ مواد غذایی در اثر قحطی و بحران شماره بازیابی ۷۸۴۳/۲۹۵.

شلوغی خبازی‌ها در تهران، گرانی و کمبود نان شماره بازیابی ۶۰۳۶/۲۹۵.

خشکسالی و قحطی، وضعیت نامناسب کشاورزی، شماره بازیابی ۷۴۹۶/۲۹۵.